



## جایگاه تحریم هوشمندانه در مقابله با رژیم اسلامی

محمد پروین

۲۱ ژانویه ۲۰۰۷

[mparvin@mehr.org](mailto:mparvin@mehr.org)

(310)377-4590

همچنانکه در نوشته دیگری توضیح داده شد، تحریم هوشمندانانه، تحریمی است که فقط رژیم اسلامی را با محدود کردن منابع مالیش تحت فشار قرار میدهد و همچنانکه نهادهای بین المللی نظیر دیدبان حقوق بشر هم بر آن صحنه گذاشته اند کاریست در چارچوب حقوق بشر [۱]. تجاربی چون تحریم افریقای جنوبی نیز دال بر این هستند که تحریم هوشمندانانه ابزاری کارساز برای برخورد با رژیم هائی است که بطور سیستماتیک حقوق بشر را نقض میکنند [۲]. اکثریتی از ایرانیان مخالف رژیم، تحت تاثیر تحریفات حامیان رژیم و یا توهمات ناشی از عدم توجه و تامل در مورد این راه کار موثر، یکی از بهترین ابزار مبارزاتی را نه تنها نادیده گرفته اند بلکه خود نیز نادانسته به تحریفات حامیان رژیم پا داده اند. اشاره به پاره ای از این توهمات و تحریف ها فضای بحث ما را روشن تر خواهد کرد.

مخالفان تحریم بدون توجه به ماهیت و چگونگی تحریف هوشمندانانه با عام کردن یک مسئله بسیار خاص، بدون توجه به هدفمند بودن این مقوله، سعی دارند که با مراجعه به نمونه های کاملاً بی موردی مانند عراق موضع خود را توجیه کنند. یک تحریم کور و همه جانبه نظیر عراق و کوبا به هیچ عنوان مورد نظر ما نیست. آنچه مورد نظر است، تحریمی است تعریف شده که فقط رژیم و منابع مالی آنرا هدف قرار خواهد داد. آن زمان که این فشارها مجال و امکانی ایجاد کرد که جنبش مبارزاتی گسترده ای در ایران با سازمان و تشکیلات مناسب خود شکل بگیرد، آنگاه مردم ایران و مبارزان هستند که خود اشکال موثر تری از تحریم نظیر تحریم های نفتی را با بر آورد کردن هزینه های آن میتوانند درخواست کنند.

مخالفان تحریم در کنار توسل به این مثال های بی مورد، بدون ارائه دلیلی شرایط بد اقتصادی، بیکاری و فقر و فلاکت موجود در ایران را نیز ناشی از اعمال تحریم امریکا میدانند. این حرف به هیچ عنوان پایه و اساس درستی ندارد. در دورانی که قانون تحریمی محدود علیه ایران از طرف امریکا وجود داشته است، تمام دولتهای دنیا، منجمله دولتهای غربی، چین، ژاپن، روسیه و کانادا با رژیم اسلامی مبادلات کامل داشته اند. وانگهی تحریم امریکا نیز به میزان زیادی تنها روی کاغذ وجود داشت. کمپانیهای امریکائی بسیاری با رژیم اسلامی مبادلات تجاری داشته اند تا حدی که کمپانیهای چون جنرال الکترونیک و هالی برتون تا چند ماه پیش در تهران دفتر داشتند.

پاره ای دیگر از ایرانیان نیز بدون توجه به جوهر اصلی تحریم که شرایط وابسته به آنست، با بسنده کردن به تحریمی که اخیرا تحت فشار امریکا اعمال شده است، دیگر ضرورتی برای تحریم نمی بینند و بخش "مترقی" مخالفان تحریم هم بدلیل اینکه امریکا پشت این تحریم است اصولا آنرا مردود میدانند! به این دیدگاه به ظاهر مترقی و عملا تسلیم طلب در نوشته دیگری برخورد خواهیم کرد.

تحریم شورای امنیت سازمان ملل بهیچ عنوان، تحریم هوشمندانه ای که مورد نظر ماست نیست. این تحریم حاصل خواست ایرانیان نیست و بهمین دلیل هم تنها شرطش که تعلیق غنی سازی اورانیوم باشد ربط چندانی به بهبود وضعیت ایرانیان ندارد. تحریم هوشمندانه ای که فقط با خواست ایرانیان و تلاش فراوان آنها ممکن است ایجاد شود در راس شرایط خود آزادی زندانیان سیاسی را طلب میکند. میتوان چنین خواست هائی را در برنامه های تحریم گنجانند. در لایحه تحریم افریقای جنوبی در صدر شرایط تحریم. آزادی نلسون مندلا، سایر رهبران و همه زندانیان سیاسی وجود داشت.

شکی نیست که مراحل متعدد و مشکلی باید طی شود تا امکان اعمال تحریم هوشمندانه ایجاد شود. این مراحل شامل موارد زیر میباشد:

۱- عنوان کردن خواست تحریم هوشمندانه از جانب ایرانیان. حمایت از چنین تحریمی توسط ایرانیان درون و برون مرز مسئله تحریم را از حالت انتزاعی خود و خواست یک فرد و گروه در

۲- بردن این خواست به میان نهاد های حقوق بشر بین المللی نظیر دیدبان حقوق بشر و تلاش برای اینکه خواست تحریم رژیم را نیز همانند سایر دولت های جبار در بین جامعه جهانی مطرح کنند.

۳- تلاش برای توضیح بدیل سوم در میان مردم دنیا و از این راه جلب نظر آنها در مورد تحریم و استفاده از آنان برای ایجاد فشار بر دول غربی.

پیام و حرف بدیل سوم اینست که رژیم اسلامی خطری نه تنها برای ایرانیان بلکه برای همه دنیا است. این خطر را با هیچ فرم و شکلی از حمله نظامی نمیتوان از بین برد. این بدیل اگر بکار گرفته شود، مردم آزادی خواه ایران خود میتوانند خطر رژیم اسلامی را از بین ببرند. اگر رژیم اسلامی از جانب غرب و بخصوص امریکا حمایت نشود، ایرانیان خود قادر به تغییر رژیم هستند. تحریمی هوشمندانه که رژیم اسلامی را و نه مردم ایران را هدف قرار دهد به ایرانیان برای تحقق بخشیدن به چنین تغییری کمک خواهد کرد.

۴- افشای شبکه لابی گرانی که در مخالفت با تحریم و ایجاد رابطه با رژیم به موفقیت های بسیاری نائل آمده اند.

۵- شرکت در پروسه سیاسی کشور های غربی و جلب نظر نمایندگان و سناتور ها از طریق قدرت رای و لابی کردن آنها

۶- همکاری با سازمانها و اتحادیه های کارگری، زنان، معلمان و اقشار و طبقات دیگر اجتماعی و طلب کمک از آنها برای اعمال تحریم هوشمندانه.

تلاش در راه ایجاد این شرایط، و تقسیم کار و برنامه ریزی برای انجام آن بطور طبیعی به سازمان و تشکیلاتی منسجم منجر خواهد شد و میتواند جنبشی اصیل را ایجاد کند که نه تنها به اپوزیسیون برون مرز اعتباری ببخشد، بلکه بعنوان کاتالیزوری موثر به ایجاد یک جنبش مبارزاتی در درون مرز نیز کمک کند.

تحریم علاوه بر اثرات مشخص و ملموس مادی، اثرات روانی گسترده ای را هم میتواند داشته باشد. علت اینکه بسیاری از مردم ناراضی ما در ایران غیر فعال هستند، دچار یاس و ناامیدی شده و به فعالان سیاسی و حقوق بشر نمی پیوندند به این علت است که کاری متشکل و با برنامه در جهت مبارزه با رژیم اسلامی نمی بینند. شاهد این هستند که در کنار همه جنایات رژیم، اقلیت بسیار مرفه جامعه ما نیز شریک در غارت و چپاول های رژیم اسلامی شده اند. پاره ای فرزندان خود را برای امرار معاش به فحشا و ادار میکنند، بخشی مجبور است کلیه خود را بفروشند و معدودی هم هستند که در ناز و نعمت بسر میبرند و خستگیشان را با سفرهای مکرر به خارج کشور در میکنند. در کنار همه اینها ناظر این واقعه دردناک هستند که جامعه جهانی نیز برای معامله و داد و ستد با این رژیم با هم رقابت میکنند. مردم آزادی خواه ایران خود را نه تنها با رژیمی خونخوار بلکه با همه دنیا طرف میبینند و نتیجتاً با این واقعیت تلخ روبرو هستند که در مقابله آنها با این سیستم جهانی توازن قوایی وجود ندارد.

تحریم پیام بسیار امیدوار کننده ای برای این مردم مستاصل خواهد داشت. به آنان میگوید که جامعه جهانی شریک جنایات رژیم اسلامی نیست و آنها نخواهد پذیرفت و در جنگ آنها با رژیم اسلامی حد اقل به دشمنشان کمک نمی کند.

تظاهرات اخیر دانشجویی و بخصوص آنچه که در دانشگاه پلی تکنیک گذشت به ما نشان داد که احمدی نژاد و رژیم اسلامی شاید بتوانند سیاست سازان امریکائی چون بیکر و همیلتون را با جنایات خود مرعوب کنند تا حدی که بخود اجازه دهند که جانپان رژیم اسلامی را برای بهبود وضع عراق دعوت به همکاری کنند، ولی جوانان ما علیرغم فشار دژخیمان رژیم اسلامی، سر بلند میکنند و به جانپان نه میگویند. لابی گران و حامیان ایرانی و غیر ایرانی رژیم اسلامی و مراکز به اصطلاح فکری آنها در تمام تجزیه و تحلیل های خود یکسره مقاومت مردم ایران را ناچیز جلوه میدهند و راه حل هایشان بر این نتیجه گیری استوار است که مردم ما نه قادر به تغییر رژیم هستند و نه اکثریتی این خواست را دارند. این نوع تظاهرات را میتوان به مشت محکمی بر دهای این یاوه گویان تبدیل کرد و این وظیفه ما برون مرزبان است.

مطمئن هستم لابی گران رژیم، کسانی مانند هوشنگ امیر احمدی (سازمان امریکائی ایرانی) که سرمست از اینند که دارند رژیم اسلامی را به دنیا حقه میکنند، حالشان از این مقاومت ها گرفته میشود و از سر مستیشان کاسته میشود. امیدوارم که این نشانه ها و خیزش های جوانان ما و لرزه ای که بر جان لابی گران می اندازد، هر دو انگیزه ای شوند که ما هم در برون مرز فعال تر شویم و باری از دوش آنها برداریم. اگر اینها انگیزه ای برای ما ایجاد نکند، کارمان از پای بست ویران است.

مردم ایران در آن شرایط جهنمی، تنها و بدون هیچ کمک چه باید بکنند که ما هم به خود آئیم و نقشی بجز حرف و شعار برای خود تعیین کنیم؟ علیرغم اینکه بسیاری از فعالان در بند هستند، علیرغم اینکه ایجاد تشکیلات و سازمان های فرا گیر با سرکوب شدید بسیار مشکل است، معهذا هنوز آنقدر همبستگی و برنامه ریزی هست که بتوانند به این تظاهرات شکل بدهند، فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دهند و با پاره کردن عکس این دیکتاتور به دنیا بگویند که این رژیم در حد شان و منزلت انسانی آنها نیست. در شرایط موجود، در شرایطی که دنیا علیرغم مواضع لفظی میخواهد با این جنایتکاران به مذاکره بنشیند و آن به اصطلاح تحریمش هم در این جهت است، بیش از این چه کاری میتوان کرد؟

رژیم اسلامی میتواند دنیا را به مسخره بکشد، میتواند رسماً یکی از بزرگترین جنایات بشری را که هالوکاست باشد انکار کند، میتواند ۲۷ سال در انکار ابتدائی ترین حقوق مردم ایران تلاش کند، میتواند قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ را انکار کند ولی هنوز هستند کسانی در آن دیار که حاضر نیستند تن به این انکار ها بدهند و نشان میدهند که جامعه آزادی خواه ما زنده و واقعه ساز است.

سئوالی که کماکان مقابل ماست اینست که ما هزاران ایرانی خارج از کشور و برخوردار از بسیاری امکانات که این جوانان از آن محروم اند برای رهایی از خفت رژیم اسلامی چه میکنیم؟ آیا مدح و ثنای ما برای این جوانان و عزاداری برای آنانکه جان در راه این اعتراضات مینهند کافیست؟

آیا توجه داریم و برایمان مهم هست که بخشی از سیاست سازان دنیا به همراهی با رژیم اسلامی و لابی گران رژیم اسلامی چه خوابی برای ما دیده اند؟ آیا اساسا این برنامه پیشنهادی کمیته بررسی مسائل عراق در مشورت و مذاکره با رژیم اسلامی که به باور من دشنامی به آزادی خواهان ایران بود آنقدر ما را ناراحت کرده است که بر علیه آن کاری کنیم؟

پیام این کمیته به رژیم های دیکتاتور اینست که برای اینکه مشروعیت بیابید و در جامعه جهانی جایی داشته و در ایجاد صلح در دنیا مورد مشورت قرار بگیرید باید در درجه اول جنگ افروزی کنید، آدم بکشید، کشور ها و قتل عام ها را انکار کنید، انسانها و انسانیت را انکار کنید و آنوقت است که نه تنها از جامعه جهانی طرد نمی شوید بلکه دعوت خواهید شد که شاید منتهی بگذارید و کمی از میزان جنایات خود در یک محدوده که فعلا عراق است بکاهید.

دولت بوش فعلا برنامه پیشنهادی این کمیته را نادیده گرفته است و بدنبال ایجاد فشار های بیشتری بر رژیم اسلامی است. در شرایط موجود، در دورانی که ایرانیان نظاره گر هستند، این فشارها اگر به هدف خود دست یابند نتایجش برای ایرانیان نظیر همان برنامه کمیته عراق بوده و فاجعه بار خواهد بود. تحریم اعمال شده از طرف سازمان ملل، تنها یک خواست دارد و آن تعلیق غنی سازی اورانیوم در ایران و نهایتا انجام آن در روسیه و یا جای دیگر است. اگر رژیم اسلامی تحت فشار داخل و خارج به این شرط تن بدهد مورد پذیرش جامعه جهانی قرار خواهد گرفت. آنچه در هیچ جای این فشار و تحریم مطرح نیست، جنایات رژیم اسلامی، قوانین ننگین آن و نقض روزانه حقوق بشر است. اگر دول غربی تنها یک شرط برای پذیرش رژیم اسلامی دارند، شروط رژیم اسلامی طیف وسیعی را در بر میگیرد و اگر شاهد این هستیم که مذاکرات به نتیجه نمی رسد یکی از دلایل اصلی اینست که رژیم اصلی هنوز موفق به گنجاندن همه این شرایط در بسته مشوق ها نشده است. این شرایط شامل این موارد است:

- بر داشته شدن از لیست تروریست ها

- پذیرش در سازمان تجارت جهانی

- اخذ وام های بیشتر از بانک جهانی

- آزاد شدن سپرده ها

- نگاه داشتن سازمان مجاهدین در لیست تروریست ها و استرداد رهبران آنها

بنا بر این پیشنهاد کمیته بررسی مسائل عراق دال بر پذیرش رژیم اسلامی و تحریم فعلی سازمان ملل هر دو به یک جا ختم خواهد شد و برنده در هر حال رژیم اسلامی خواهد بود. تفاوت بین این دو برخورد در اینست که تحریم سازمان ملل فضائی را برای ایرانیان آزاده ایجاد کرده است که بتوانند از آن برای تغییر این تحریم و مبدل ساختن آن به تحریمی هوشمندانه استفاده کنند.

اگر هزاران هزار ایرانی رو بسوی مردم امریکا و اروپا بیاورند، جنایات رژیم را نشان دهند، و از طریق آنها بر روی نمایندگان و سناتور ها و رئیس جمهور آنها فشار وارد کنند شاید بتوانند این پیغام را به دولت مداران بدهند که با پذیرش چنین رژیمی نامشان با ننگ و نفرت در تاریخ ثبت خواهد شد. شاید بتوان این پیام را داد که حد اقل ما ایرانیها تلاش خود را خواهیم کرد که در تاریخ ثبت شود که دولتهائی با شناخت رژیمی که ۲۷ سال حق ملتی را انکار کرد، هزاران نفر را تنها در طول چند ماه در سال ۶۷ قتل عام نمود، ترور های بسیار در سراسر دنیا ایجاد کرد، منکر واقعه تاریخی هالوکاست بود و خواستار محو یک کشور، کشور اسرائیل بود در واقع شریک این جنایات و اعمال شدند. ایجاد این مجموعه فشار مستلزم چنان سازمان و تشکیلات منسجمی است که طبیعتا خود را بعنوان اپوزیسیونی با کفایت به جامعه جهانی خواهد شناخت و این امکان را ایجاد خواهد کرد تا که شاید قدرت مداران دنیا تنها بدیل ممکن در ایران را نه جناحهای خود رژیم بلکه اپوزیسیونی با کفایت ببیند.

صرفنظر از اینکه سیاست سازان و سیاست مداران دنیا چه هستند و چقدر ارتجاعی و یا پیشرواند، بقا و دوام خود، ایدئولوژی و حزب و حکومتشان وابسته به افکار عمومی مردم کشور های خود و جامعه جهانی است. ما باید از این واقعیت بهره برداری کنیم. باید از حلقه محدود درد دل بین خود بیرون آئیم و با مردم کشور های مورد اقامتمان در آمیزیم. آنها متحدان خوبی برای ما هستند. باید سیمای واقعی رژیم اسلامی را به آنها نشان داد و از آنها برای طردش کمک خواست.

فرصت طلائی دیگری که نصیب ایرانیان آزاده شده است و اگر به آن توجه کنند میتوانند در جهت سلب مشروعیت از رژیم اسلامی، کسب حمایت مردم دنیا و نتیجتا اعمال فشار و تحریم هوشمندانه بر رژیم اسلامی از آن بهره بگیرند، محاکمه رژیم اسلامی در دادگاه فدرال امریکا در

این محاکمه و محکومیت رژیم اسلامی سند پر قدرت دیگری در اختیار ما میگذارد که به مردم امریکا و جهان نشان دهیم که جنایات این رژیم در حدی است که علیرغم تمام موانع قانونی و ملاحظات سیاسی، دادگاه های آنها رای به محکومیت آن داده اند و از آنها مدد بگیریم تا رژیم اسلامی بجای شناخته شدن از طرف دولتهایشان مورد تحریم هوشمندان قرار بگیرد. حق انتخاب با ماست. میتوانیم کماکان با پرداختن به بحث های عام ۲۷ سال دیگر در تلاش تشکیل نشست های بی حاصل باشیم و یا اینکه بحول راه کارهای مشخص برخیزیم.

منابع:

۱- [نقش تحریم های هوشمندان در توقف نقض حقوق شر](http://mehr.org/HRW_sanction_persian.pdf)

[http://mehr.org/HRW\\_sanction\\_persian.pdf](http://mehr.org/HRW_sanction_persian.pdf)

۲- [تحریم علیه آفریقای جنوبی](http://mehr.org/Sanction_south_africa.pdf)

[http://mehr.org/Sanction\\_south\\_africa.pdf](http://mehr.org/Sanction_south_africa.pdf)

۳- [محاکمه رژیم اسلامی](http://mehr.org/Trial_Announcement_2007_persian.pdf)

[http://mehr.org/Trial\\_Announcement\\_2007\\_persian.pdf](http://mehr.org/Trial_Announcement_2007_persian.pdf)

۴- [اطلاعیه مربوط به محاکمه رژیم اسلامی به زبان انگلیسی](http://mehr.org/Trial_Announcement_2007.pdf)

[http://mehr.org/Trial\\_Announcement\\_2007.pdf](http://mehr.org/Trial_Announcement_2007.pdf)